

## بازشناسی جغرافیای تاریخی و تقسیمات اداری نایین در قرون اولیه اسلامی (از منظر مدارک تاریخی و شواهد باستان‌شناختی)

میلاذ باغ شیخی<sup>1</sup>

تاریخ دریافت: 98/06/27

تاریخ پذیرش: 98/09/09

### چکیده

بررسی پیشینه تاریخی سرزمین‌های ایرانی در دوره باستان، به‌روشن‌بودن زمینه جغرافیایی آن‌ها بسیار وابسته است. هدف از پژوهش حاضر، این است که با مطالعه منابع مکتوب برجای مانده از جمله نوشته‌های مورخان و جغرافی‌دانان اوایل دوره اسلامی، بتوان تا حد امکان تصویر کلی از جایگاه نظام اداری نایین به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از نظام اداری خود ترسیم کرد بنابراین سوالاتی در اینجا مطرح می‌شود: 1. سابقه حضور انسانی در پهنه فرهنگی نایین به چه دورانی باز می‌گردد؟ 2. به لحاظ تقسیمات اداری منطقه نایین در دوران ساسانی و به دنبال آن باروی کارآمدن اسلام جزء کدام یک از کوره‌های ساسانی محسوب می‌گردید؟ روش اتخاذ شده، تلفیقی از روش‌های تاریخی و حوزه جغرافیای تاریخی است. نتایج پژوهش نشان داد که قدیمی‌ترین شواهد حضور انسانی در منطقه به دوران پیش‌ازتاریخ بازمی‌گردد و از سرنوشت منطقه تا قبل از دوره ساسانی اطلاعی در دست نداریم و کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی می‌تواند روشن‌کننده وضعیت این منطقه باشد بابرآمدن اسلام نایین جزء کوره اصطخر از بزرگترین کوره‌های پنج‌گانه فارس به حساب آمد.

**کلیدواژه‌ها:** نایین، جغرافیای تاریخی، ساسانی-اسلامی، باستان‌شناختی.

---

<sup>1</sup> دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران .

## مقدمه

عوامل محیط طبیعی در هر قسمتی از جهان و باتوجه به دو عنصر زمان و مکان خویش تفاوت‌های آشکاری با یکدیگر دارند، در بررسی رویدادهای تاریخی توجه به نقش سه محور، زمان، انسان و مکان در تحولات تاریخی مهم هست این عوامل دائم در حال تغییر و تحول هستند و جغرافی‌نویسان و یا مورخان قدیم در بیان اوضاع اقلیم و مناطقی که سفر می‌کردند آن را از ضروریات علم تاریخ به حساب می‌آوردند. اهمیت جغرافیای تاریخی یک منطقه به این دلیل است که به گذشته تاریخی شهر، نحوه شکل‌گیری و غیره آن می‌پردازد.

در فاصله بین دو جنگ جهانی نقش جغرافیا و به‌تبع آن تاریخ به‌عنوان ساختار پُررنگ شد و در کشور فرانسه تحت تأثیر مکتب آنال مبحث جغرافیای تاریخی به عنوان سبک مشخص مطرح شد در نتیجه به‌گمان برخی این رشته زیر شاخه‌ای از تاریخ محیط زیست و بوم‌شناسی تاریخی است.<sup>1</sup> جغرافیای تاریخی دانش‌ای میان رشته‌ای با دیگر علوم چون باستان‌شناسی و تاریخ محلی است. جغرافیای تاریخی به‌عنوان یک مقوله علمی راه مناسبی برای مطالعات باستان‌شناسی فراهم آورده است. بدون این زمینه مناسب و در فقدان مدارک مکتوب تعیین هویت و تعلق بسیاری از محوطه‌های باستان و فرهنگ‌ها با ابهام همراه خواهد بود و پرداختن به این مباحث اطلاعات ارزشمندی در اختیار دانش-پژوهان قرار می‌دهد.<sup>2</sup>

شهرستان نایین از بخش‌های تابع استان اصفهان و در حاشیه کویر واقع شده است. مرکز این بخش، شهر باستانی نایین در دوران تاریخی از گسترش قابل توجهی برخوردار بوده است، براساس تقسیمات جغرافیایی این شهر از شمال غربی به شهرستان‌های اردستان و زواره از شمال به استان سمنان، از شرق به استان خراسان، از جنوب به استان یزد و از مغرب به بخش کوهپایه از توابع استان اصفهان محدود می‌باشد.

**اهداف و پرسش پژوهش:** نوشتار حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌هاست: 1. سابقه

حضور انسانی در پهنه فرهنگی نایین به چه دورانی باز می‌گردد؟ 2. به لحاظ تقسیمات اداری منطقه نایین در دوران ساسانی و بالطبع با روی کار آمدن اسلام جزء کدام یک از کوره‌های باستانی محسوب می‌گردد؟ هدف از این پژوهش، این است که با مطالعه منابع مکتوب برجای مانده از جمله نوشته‌های مورخان و جغرافی‌دانان اوایل دوران اسلامی، بتوان تا حد امکان تصویر کلی از جایگاه نظام اداری نایین به عنوان زیرمجموعه‌ای از نظام اداری خود ترسیم کرد؛ بر این اساس در نوشتار پیش‌رو سعی کردیم تا جغرافیای تاریخی - اداری نایین را براساس منابع تاریخی نظیر کتب جغرافی‌نویسان و یا داده‌های باستان‌شناختی مورد بررسی قرار دهیم.

**روش تحقیق:** با در نظر گرفتن مسائل نظری فوق، روش اتخاذ شده این تحقیق با توجه به موضوع آن، که به سرگذشت شهرها و غیره می‌پردازد تلفیقی از روش‌های باستان‌شناختی، تاریخی و حوزه جغرافیای تاریخی است. گردآوری اطلاعات نیز به دو صورت میدانی و کتابخانه‌ای استوار است؛ در این روش تمامی اطلاعات و داده‌های مربوط به منطقه مورد مطالعه، شامل؛ متون تاریخی به‌ویژه کتب مورخان و جغرافی‌دانان دوران اسلامی منطقه جمع‌آوری و در نهایت تحلیلی از آن ارائه گردید و در روش میدانی نیز منطقه مورد بازدید قرار گرفته و سپس داده‌های فرهنگی جمع‌آوری و عکس‌برداری گردید.

**نام شناسی [وجه تسمیه] شهر تاریخی نایین بر اساس منابع مکتوب تاریخی**

نام‌های جغرافیایی یا جای‌نام<sup>3</sup> بخشی مهمی از میراث فرهنگی به‌شمار می‌روند و به «تاریخ زنده» شهرت یافته‌اند.<sup>4</sup> اصطخری جغرافی‌نگار و مورخ مسلمان (وفات 346ه.ق) در کتاب مسالک و ممالک خویش نام نایین را به صورت «مایین» آورده و بیان می‌کند که این شهر در بیابان مرکزی ایران قرار دارد.<sup>5</sup> ابن حوقل جغرافی‌نگار و مورخ (وفات پس از 367ه.ق) نیز، از قدیمی‌ترین اشخاصی

است که پیرامون نایین مطلب نوشته است وی آن را «مایین» و «نایین» نوشته و می‌افزاید «این شهر در بیابان فارس و خراسان قرار دارد»<sup>6</sup>. ابوالفداء (وفات 732 ه.ق) ماین [نایین] بلده‌ای است از بلاد فارس و جزء اصطخر بوده است.<sup>7</sup> صفاءالسلطنه نائینی (قرن 13 ه.ق) در مورد نایین این عقیده را دارد که وجه‌تسمیه نایین این است که از ابنیه نائن بن نوح بن سام بن نوح (ع) است.<sup>8,9</sup> مرحوم ایرج افشار در کتاب پژوهش در نام شهرهای ایران آورده «نایین در عبری به معنی جمال است و بر سرآزیری کوه دوخی و در جنوب خاوری شهر ناصره در فلسطین اشغالی شهری بدین نام بوده است و امروز آن را نین گویند، در آن زمان نایین تابع فارس و از بلوک شهر استخر بوده است»<sup>10</sup>

همان‌طور که در پیش نیز گفته شد در متون نوشتاری جغرافی‌نویسان قرون اولیه اسلامی از این شهر صرفاً با لفظ «مایین» و «نایین» یاد کرده‌اند و از وجه‌تسمیه نام آن، ذکری به‌میان نیاورده‌اند و حتی در کتب نوشتاری محققان متأخر نیز دلیل قانع‌کننده در این زمینه وجود ندارد به‌عنوان مثال مرحوم محمد مهیار لفظ نایین را منتسب به «آب‌دار» نموده<sup>11</sup> اگرچه مسأله اقلیم و محیط طبیعی قاعدتاً بیشترین تأثیر را بر نام‌گذاری مکان‌ها دارد اما این استدلال مرحوم مهیار دلیل قانع‌کننده برای نام یک شهر با سابقه تاریخی نیست (جدول 1). در مجموع پیرامون نام‌شناسی نایین استدلال محکمی موجود نیست و این‌گونه تعابیر بیشتر از گفته‌های شفاهی منشأ گرفته و هیچ‌گونه مستنداتی بر یقینی بودن آن وجود ندارد اما آنچه مشخص می‌باشد از قدیم‌الایام این منطقه نایین نام داشته است.

جدول 1. خلاصه‌ای از نام‌شناسی ناین (نگارنده، 1398)

ردیف	نام مورخ یا جغرافی‌دان	لفظ شهرستان ناین	منبع
1	اصطخری	مایین	اصطخری، 1349: 97
2	ابن حوقل	ناین / مایین	ابن حوقل، 1345: 136 و 142
3	ابوالفداء	مایین	ابوالفداء، 1349: 369
4	صفاء السلطنه	نائن	صفاء السلطنه، 1366: 67
5	افشار	نین	افشار، 1378: 594
6	مهیار	ناین	مهیار، 1382: 792

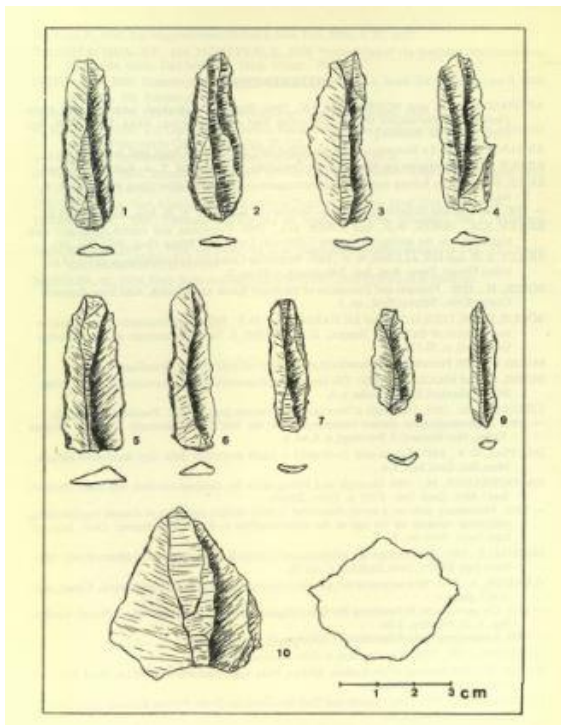
## پیشینه تاریخی ناین در دوران قبل از اسلام براساس شواهد تاریخی و باستان-

### شناختی

باتوجه به بررسی‌های صورت گرفته در منابع تاریخی موجود، اطلاعات جغرافیایی گسترده پیرامون این منطقه و اوضاع سیاسی و اجتماعی آن در طول ادوار مختلف تاریخی نمی‌توان به دست آورد. این کمبود اطلاعات به نظر نگارنده احتمالاً می‌تواند به دلیل عدم استقرار دائم در این منطقه و یا به دلیل کم بودن اهمیت سیاسی آن و عدم تأثیرگذاری آن بر مناسبات و معادلات سیاسی منطقه باشد.

## دوران پیش از تاریخ

قدیمی ترین آثاری که از منطقه نایین به دست آمده مربوط به دوره میان سنگی یا فراپارینه- سنگی است. پیرامون این دوره به جزء اطلاعات محدود به دست آمده از گزارش کوتاه هیئت زمین شناسی آلمانی که در سال 1965 م. منطقه را مورد بررسی قرار دادند تحت عنوان «مطالعات زمین شناسی و سنگ شناسی شمال نایین» هیچ اطلاعاتی عمده ای فعلاً در دست نیست شاید درآیند طی بررسی های باستان شناختی در حوزه کویبری فلات مرکزی اطلاعات بیشتری پیرامون این دوران به دست آوریم. براساس این گزارش تعداد بیست ریزتیغه در سه کیلومتری غرب سپرو (30 کیلومتری شمال غرب نایین) روی یک تراس پیدا شده است. دست ساخته ها تیغه های باریک سنگی کوچکی هستند که حدود 4 سانتی متر طول و 7-15 میلی متر پهنا دارند، هر دو لبه آنها بسیار خوب روتوش شده است. دست ساخته ها از فلیت یا سنگ چخماق ساخته شده اند. دی. آر. وایز<sup>12</sup> از موزه زوریخ مشخص نمود که این دست ساخته ها مربوط به دوره میان سنگی<sup>13</sup> یا آغاز نوسنگی هستند. اشکال آنها همخوانی خوبی با بسیاری از دست ساخته های میکروولیت های پیداشده توسط هاکریده<sup>14</sup> مربوط به سال 1961 میلادی در کوهبنان<sup>15</sup> استان کرمان داشته اند<sup>16</sup> (تصویر 1).



تصویر 1- ابزارهای فراپارینه سنگی شمال غرب نایین<sup>17</sup>

## دوران تاریخی

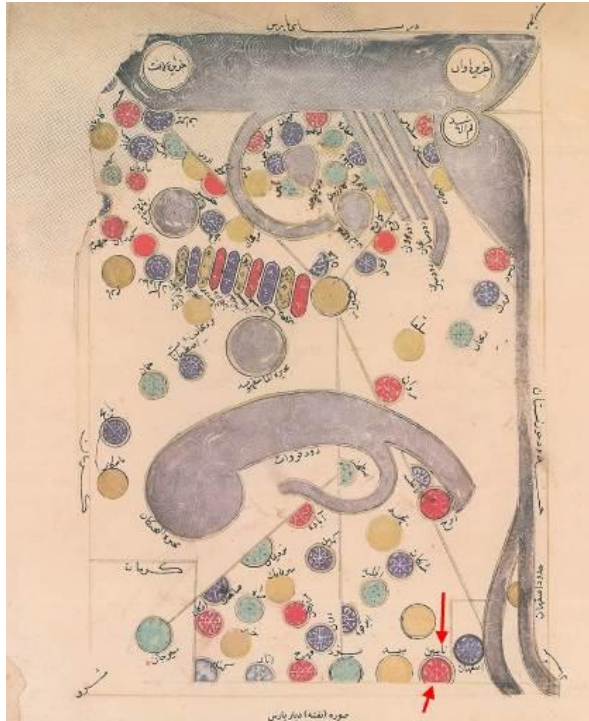
در ابتدا قبل از آن که به شواهد دوران تاریخی نایین پرداخته شود باید گفته شود که از سرنوشت منطقه نایین در دوره‌های ماد، هخامنشی و پارت اطلاعی در دست نداریم و کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی می‌تواند روشن‌کننده وضعیت این منطقه در دوره‌های مذکور باشد. به نظر می‌رسد نخستین آگاهی ما از منطقه نایین به دوران ساسانی باز می‌گردد، ایالت فارس از ایالات ایران قدیم وسعتی بیش از وضع فعلی داشته است (تصویر 2)؛ این ایالت در دوران بعد از اسلام نیز همانند دوران قبل از اسلام به پنج کوره/خوره<sup>18</sup> تقسیم می‌شده است.

عموماً نام خوره از نام بزرگترین شهر و بالطبع حاکم‌نشین آن خوره اخذ می‌شد.<sup>19</sup> به عنوان مثال ابن بلخی (وفات پس از 511ه.ق) بیان دارد که نام هرکوره برگرفته از نام پادشاهی است که آن را ساخته است و کوره استخر را استخر نامی ساخته است و مسافت آن را پنجاه فرسنگ طول در پنجاه فرسنگ عرض می‌داند.<sup>20</sup> در اواخر حکومت پادشاهان ساسانی یعنی قباد اول (531-499 م) و خسرو اول (579-531 م)، منابع مکتوب به چهار قسمتی بودن ایران اشاره می‌کنند.<sup>21</sup> ثعالبی در کتاب خود از تقسیم کشور به چهار بخش و انتخاب چهار سپاهید برای هر یک از بخش‌ها به دست خسرو انوشیروان و ذکر نواحی هر بخش به خوبی یاد کرده است.<sup>22</sup> به گونه‌ای که ایرانشناس مشهور خانم ریکا گیزلن<sup>23</sup> براساس مطالعه چند اثر مہر ساسانی، چهار بخشی بودن تقسیمات کشوری را در اواخر دوره ساسانی تأیید می‌کند (تصویر 3). این چهار بخش عبارتند از: کوست<sup>24</sup> شرق (ربع شمال شرقی، kust ī xwarāsān) کوست غرب (ربع جنوب غربی، kust ī xwarwarān) کوست جنوب (ربع جنوب شرقی، kust ī nēmrōz) و کوست شمال (ربع شمال غربی، kust ī ādurbādagān)<sup>25</sup> (تصویر 4) بر مبنای این اطلاعات می‌توان تصویری از تشکیلات نظامی و اداری ساسانیان ارائه نمود. احتمالاً این تقسیمات چهارگانه یادآور تقسیمات امپراتوری روم شرقی است که در آن «فرماندهی شرقی»<sup>26</sup>، «فرماندهی یونان و بالکان»<sup>27</sup>، «فرماندهی ایتالیا و آفریقای لاتین»<sup>28</sup> و «فرماندهی بریتانیا و شبه جزیره ایبری»<sup>29</sup> هست.<sup>30</sup>

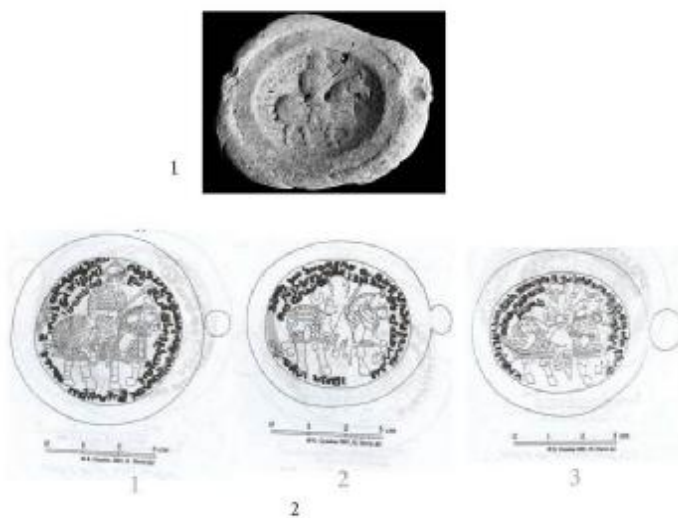
بنابر تقسیمات مورخ موسی خورنی<sup>31</sup> نیز، ایالت فارس در زمان ساسانیان در کوست نیم‌روز<sup>32</sup> قرار داشت<sup>33</sup> کوره‌های پنج‌گانه فارس عبارت بودند از: اول کوره اصطخر، دوم اردشیرخوره، سوم کوره دارابجرد، چهارم کوره قباد (ارجان) پنجم کوره سابور (شاپور)<sup>34</sup> (نمودار 1). باتوجه به مطالعات صورت گرفته می‌توان ادعان داشت که در هیچ‌یک از متون تاریخی پهلوی ساسانی نظیر (شهرستان‌های



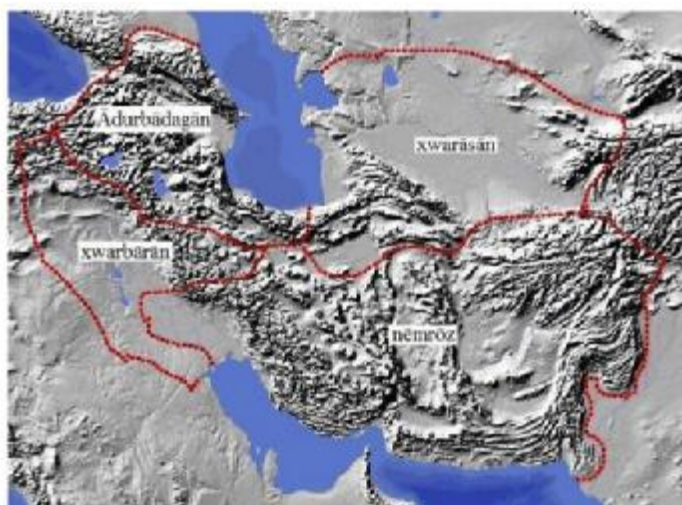
بازشناسی جغرافیای تاریخی و تقسیمات اداری ناین در قرون اولیه اسلامی (از منظر مدارک تاریخی و شواهد باستان‌شناختی)<sup>9</sup>  
 ایرانشهر<sup>35</sup>) نامی از این منطقه برده نشده است صرفاً ناین در دوران ساسانی به‌عنوان مرکز اداری و  
 خدماتی کوره اصطخر به‌حساب می‌آمد و بعد از اسلام نیز کماکان موقعیت خویش را حفظ کرد.



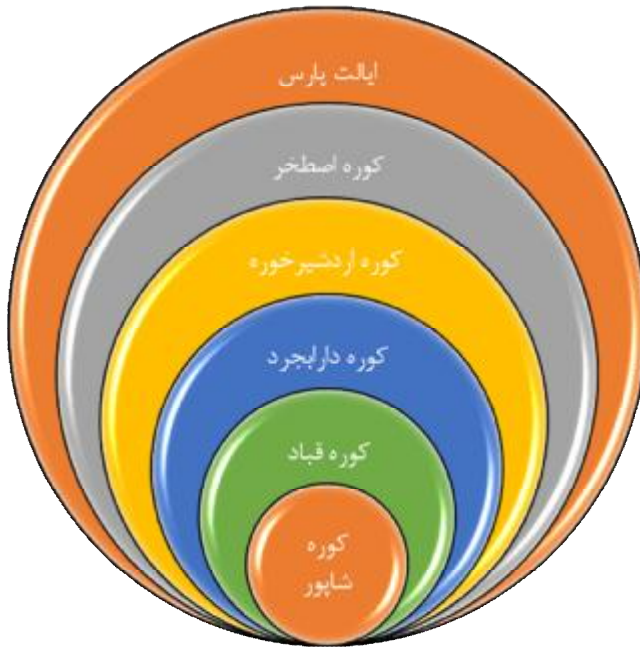
تصویر 2- نقشه دیار فارس و موقعیت شهر ناین روی نقشه با فلاش قرمز رنگ: مسالک و ممالک



تصویر 3. 1. گِل مُهر ایران سپاه بُد نیمروز<sup>37</sup> 2. اَثَرِ مُهرهای سپاهبدان خسرویکم ساسانی<sup>38</sup>



تصویر 4. موقعیت کوست‌های چهارگانه ساسانی در دوران اصلاحات خسروانوشیروان<sup>39</sup>



نمودار 1. ایالت پارس و ذکر کوره‌های پنج‌گانه آن از دیدگاه جغرافیایانویسان قرون اولیه اسلامی (نگارنده، 1398)

همان‌گونه که در پیش رفت تمامی جغرافیایانویسان ایالت پارس را به چند کوره تقسیم کردند و همگی متفق‌القول بودند که کوره اصطخر از همه بزرگ‌تر و فراخ‌تر است بنابراین از آنجایی که شهر نایین در دوران تاریخی و اسلامی بر اساس واکاوی منابع تاریخی، جزء کوره اصطخر فارس به حساب می‌آمد و به دلیل موقعیت قرارگیری شهر نایین در این کوره ابتدا پیرامون کوره اصطخر از نگاه جغرافیایانویسان و مطالعات باستان‌شناسی آن می‌پردازیم سپس به بررسی تاریخی شهر نایین براساس منابع تاریخی و باستان‌شناختی خواهیم پرداخت.

## کوره اصطخر فارس

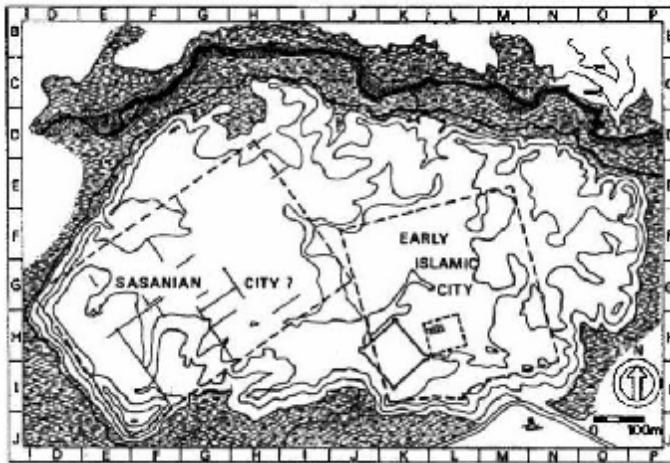
اصطخر [استخر] از جمله شهرهایی است که زمان ساخت آن به قبل از تشکیل حکومت ساسانی می‌رسد. این شهر خاستگاه دودمان ساسانی و مرکز ایالت فارس در دوره اشکانی بود. این مکان شهر معنوی و موطن ساسانیان به شمار می‌رفت و تا واپسین دوره حیات این سلسله اهمیت خود را حفظ کرد. جغرافیایونیسان در منابع خویش اصطخر<sup>40</sup> را بهترین، قدیمی‌ترین و فراخ‌ترین دارالملک پارسیان معرفی کرده‌اند<sup>41</sup>. نام اصطخر نخستین بار در کتیبه پهلوی شاپور سکانشاه که بر جرز ایوان جنوبی کاخ تچر تخت جمشید نقش بسته، خوانده شده است. در کتیبه پهلوی شاپور اول در اطراف کعبه زرتشت نقش رستم به نام ملکه «استخریات» اشاره‌ای شده است<sup>42</sup>. تمام مورخان و جغرافی‌نگاران اسلامی از شهر اصطخر دیدن کردند و برخی شرح کوتاهی از آن نوشتند لیکن هیچ کدام از آبادانی شهر در دوران ساسانی اطلاعاتی نداده‌اند. از این رو دانسته‌های ما از این محل بسیار کم است. ابواسحاق ابراهیم الاصطخری، که خود از این شهر برخواسته در مسالک و ممالک پیرامون شهر اصطخر و ذکر نواحی آن چنین می‌نویسد «اصطخر شهری است که نه خرد نه بزرگ، قدیم‌ترین همه شهرهای پارس است. فراخی آن یک مایل، پادشاهان پارس آنجا مقام داشتندی، اردشیر آنجا بوده است»<sup>43</sup> مقدسی (وفات پس از 381 ه.ق) پیرامون این شهر می‌نویسد

«قصبه ای باستانی است. در کتاب‌ها و در میان مردم نام بردار است. مقام اداری‌اش نیز والاست. جایگاه دیوان‌ها می‌بوده، ولی امروز برکنار و کوچک شده و مردمانش کاهش یافته‌اند. من آن را همانند مکه کردم که دو دره با دو کوه دارد، جامع آن مانند جامع‌های شام در بازار است و ستون‌های گرد دارد که سرستونش همانند سرگاو است و گویند آتشکده بوده است ... ساختمان‌ها گلین است. جوی‌ها به نهر دارند و حوض آب‌ها در شهر کم آب است، آبشان چون از شالیزار می‌گذرد خوب نیست. حبوبات، انار و محصول فراوان دارند»<sup>44</sup>.

ابن بلخی (قرن 6 ه.ق) در فارسنامه خود در رابطه با کوره اصطخر چنین می‌نویسد

«شهرهای این کوره عبارتند از: یزد و اعمالش چون میبد و ناین و کته<sup>45</sup> و فهرج. آورد بزرگ و کوچک، کورد و کلار، اسفیدان و قهستان، یزدخواست و دیه گوز و شورستان و آباد، خبرز، سروات، خبرک و قالی، مابین، ابرقویه، اقلید، سمرق، ارجمان، رون، کام‌فیروز، کمه فاروق و سیرا، صاهه‌ها و هراه، بوان، مروست، ابرج، اصطخر و مروشدت»<sup>46</sup>.

کاوش‌های باستان‌شناسی اندکی توسط «ارنست هرستفلد»<sup>47</sup> در سال 1932، 1934 م. و «اریخ اشمیت»<sup>48</sup> در سال‌های 1935، 1937 م. در این شهر انجام گرفت. براساس شواهد باستان‌شناسی صورت گرفته توسط اشمیت نشان داد شهر استخر سابقه چند هزار ساله داشته است.<sup>49</sup> دونالد ویتکامپ<sup>50</sup> معتقد است که شهر دارای دو قسمت بوده است که بخش شرقی شهر اسلامی، و شهر سمت چپ آن منسوب به دوره ساسانی می‌باشد، نقشه شهر ساسانی، راست‌گوشه و قسمت داخلی آن مانند بیشاپور و دیگر شهرهای ساسانی<sup>51</sup>، به صورت شبکه‌بندی است<sup>52</sup> (تصویر 5).



از مهم‌ترین مدارک باستان‌شناختی حضور ساسانیان در منطقه نایین می‌توان به قلعه‌ای موسوم به نارنج قلعه در داخل شهر نایین و چهارطاقی شیرکوه در شمال غرب نایین اشاره کرد که در ادامه به اختصار بدان پرداخته می‌شود.

### نارنج قلعه نایین

از جمله آثار باقی‌مانده قبل از اسلام در این شهر بنایی است که به نارنج قلعه یا نارین قلعه مشهور است. این قلعه در منتهی‌الیه سمت شرق و شمال شرقی محله کلوان و حد فاصل بین کلوان و باب المسجد<sup>54</sup> و نوآباد قرار دارد.<sup>55</sup> اصطخری (قرن 4 ه.ق) از وجود قلعه‌های فراوان ایالت پارس یاد می‌کند و اذعان دارد که «در پارس بیش از پنج هزار قلعه نامدار هست بر کوه‌ها و در شهرها و شوندهام کی قلعه‌ها هست کی هرگز هیچ پادشاه آن را نگشودست»<sup>56</sup> از شواهد چنین بر می‌آید که قلعه مستطیل شکل بوده و دارای دو دیوار تو در تو بوده است.<sup>57</sup> سابقاً اطراف قلعه مزبور خندقی به عرض 25 متر حفر کرده بودند ولی اکنون شواهدی از آن موجود نیست. سه نوع خشت در ساختمان قلعه دیده می‌شود:  $10 \times 40 \times 40$  و  $6 \times 36 \times 36$  و  $5 \times 25 \times 25$  سانتی‌متر، چهار برج در چهار گوشه این حصار مستطیل شکل قرار گرفته که قطر آن‌ها بالغ بر  $4/30$  متر می‌باشد، دو برج دیوار شمالی سالم‌تر از بقیه‌ی برج‌ها باقی مانده است. متأسفانه در مورد کارکرد این قلعه اطلاع صحیحی در دست نیست، اما دور از ذهن نیست که این فضا همراه با فضاهای مجاور آن حاکم‌نشین و مرکز اداری شهر بوده باشد (تصویر 6).



تصویر 6- بنای تاریخی نارنج‌قلعه نایین دید از شرق و غرب (نگارنده، 1395)

### چهارطاقی شیرکوه نایین

چهارطاقی در 36 کیلومتری شمال غربی شهر نایین در بخش مرکزی شهرستان و شش کیلومتری غرب روستای سپرو در روستای نیم متروک شیرکوه (کوه زرد) قرار دارد. بنا مربع شکل است و ابعاد بنا نزدیک به 10 متر و ارتفاع فعلی بنا 12/40 متر است. ارتفاع گنبد 6/10 متر و فضای داخلی آن 6/59 متر است.<sup>58</sup> این چهارطاقی روی تپه‌ای قرار گرفته است که در پایین آن مسیل رود فصلی مشاهده می‌شود، عناصر معماری این چهارطاقی جرزها، قوس‌ها، طاق، فیلیپوش و گنبد می‌باشد. مصالح به کار رفته در بنا می‌توان به لاشه‌سنگ و ملات گچ اشاره کرد که در قسمت‌های

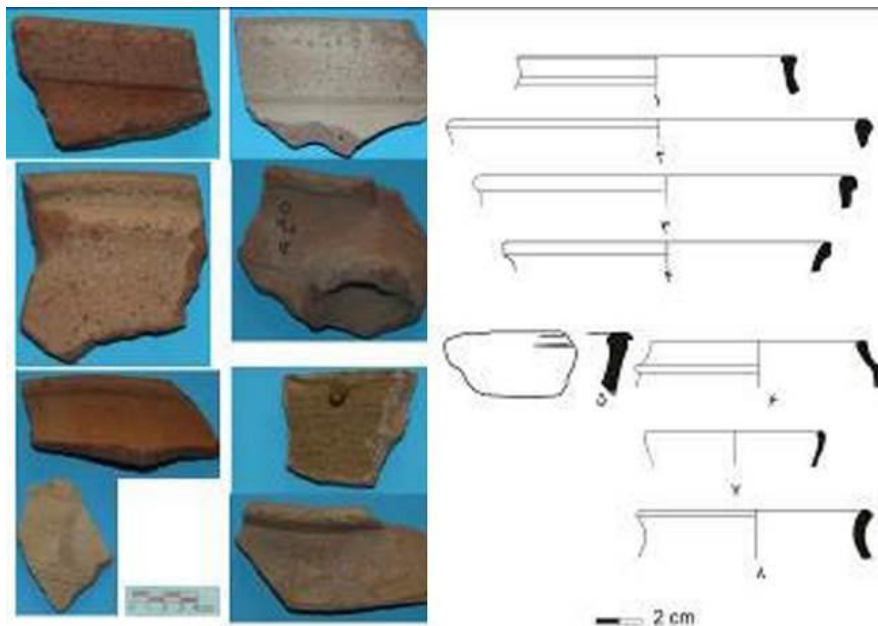
مختلف بنا متناسب با پی بنا، اندازه لاشه سنگ‌ها متفاوت می‌باشد که اکنون چهار پایه بنا، به جزء گنبد آن بازسازی شده است. در داخل چهارطاقی تزئینات خاصی مشاهده نمی‌شود، فقط در برخی از قسمت‌های فیلیوش‌ها می‌توان بقایایی از گچ را مشاهده نمود که برای نگه‌داشتن سقف و گنبد در گوشه‌های بنا در جایی که پوشش سقف روی ستون و یا دیوار قرار می‌گیرد برای تحمل وزن سقف از این عنصر استفاده شده است (تصویر 8). مهم‌ترین یافته‌های فرهنگی چهارطاقی سفال می‌باشد که به صورت پراکنده در اطراف چهارطاقی وجود دارند (تصویر 9) و براساس ویژگی‌های فنی منسوب به دوره ساسانی هستند (جدول 2).



(شاه حسینی، ۱۳۸۱: ۳۲۷)

تصویر 8- بالا: چهارطاقی شیرکوه نایین دید از غرب (نگارنده، 1395) پایین: پلان چهارطاقی شیرکوه





تصویر 9- منتخبی از طرح و نمونه سفال‌های چهارطاقی شیرکوه ناین (نگارنده، 1395)

جدول 2. مشخصات فنی سفال‌های شیرکوه ناین (نگارنده، 1395)

ردیف	توصیفات	دوره	مکان مقایسه شده
	(نوع قطعه، نوع ساخت، پخت، رنگ خمیره، شاموت، تزئینات، پوشش و پرداخت سطح درونی و بیرونی)		
1	لبه، چرخ‌ساز، کافی، نخودی، شن و ماسه، فاقد پوشش گلی	ساسانی	حاجی آباد <sup>59</sup>
2	لبه، چرخ‌ساز، کافی، نخودی، شن و ماسه پوشش گلی غلیظ	ساسانی	ابوشریفه <sup>60</sup>

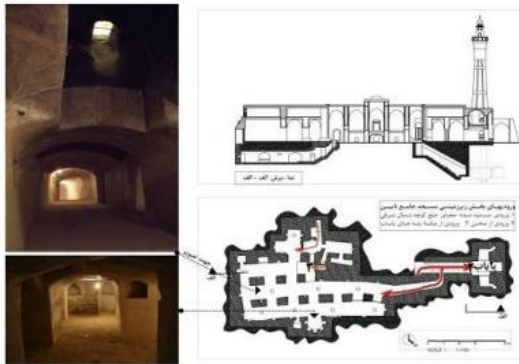
چال ترخان <sup>61</sup>	ساسانی	لبه، چرخ‌ساز، کافی، نخودی، شن و ماسه، فاقد پوشش گلی	3
فارسان <sup>62</sup>	ساسانی	لبه، چرخ‌ساز، کافی، نخودی، ماسه، فاقد پوشش گلی	4
ابوشریفه <sup>63</sup>	ساسانی	لبه، چرخ‌ساز، کافی، نخودی، ماسه و آهک، پوشش گلی غلیظ	5
فارسان <sup>64</sup>	ساسانی	لبه، چرخ‌ساز، کافی، نخودی مایل به قهوه‌ای، ماسه و شن ریز، فاقد پوشش گلی	6
بندیان درگز <sup>65</sup>	ساسانی	لبه، چرخ‌ساز، کافی، نخودی مایل به قهوه‌ای، ماسه و سنگ، فاقد پوشش گلی	7
قلعه سیرم شاه <sup>66</sup>	ساسانی	لبه، چرخ‌ساز، کافی، نخودی، شن و ماسه، پوشش گلی غلیظ	8

### مسجد جامع نایین

مسجد جامع نایین از کهن‌ترین مساجد ایران به حساب می‌آید که زمان ساخت آن را به قرن دوم هجری نسبت می‌دهند اما باستان‌شناسان اعتقاد دارند که مسجد در قرن چهارم هجری ساخته شده است. دلیل این انتساب این بنا به سده چهارم طرح شبستان گونه آن است که از شاخصه‌های مساجد در ایران پیش از سده پنجم هجری بوده است.<sup>67</sup> از ویژگی‌های دیگر مسجد جامع نایین

بازشناسی جغرافیای تاریخی و تقسیمات اداری ناین در قرون اولیه اسلامی (از منظر مدارک تاریخی و شواهد باستان‌شناختی) 19

ستونچه‌های فلکه پیچ متصل به بنا در ناحیه دربندهای نمای حیاط است و در شبستان زیباترین انواع گچبری از خط و خصوصاً هندسه هشت و چهار لنگه و دیگر نقو هنرهای بدیع آفریده شده است.<sup>68</sup> در زیر صحن مسجد و بخشی از شبستان شمال غربی مسجد دستکندی قرار دارد؛ که به صورت دالانی برخلاف محور قبله و باستون‌های درمیان آن است که فضا را به دو دهانه تقسیم کرده است جدارهای دستکند در برخی نقاط با اندود گچ پوشانده و کف‌سازی آن با آجر صورت گرفته است نورگیری فضا توسط روزنه‌هایی در سقف تعبیه شده‌اند<sup>69</sup> (تصویر 7).



تصویر 7. بالا شبستان و صحن مسجد جامع ناین (آرشیو اداره میراث فرهنگی و گردشگری ناین)؛ پایین

دستکند زیر شبستان مسجد جامع ناین<sup>70</sup>

### پیشینه تاریخی شهر نایین در دوران اسلامی براساس منابع مکتوب

منطقه مورد مطالعه تا پیش از ظهور دولت صفویه یعنی قرون متأخر اسلامی جزء ناحیه یزد بود اما از این تاریخ به بعد از لحاظ اداره امور زیر نظر ناحیه اصفهان چنانچه تمامی مورخان از جمله دولت‌شاه سمرقندی (وفات 900 ه.ق) و عمادالدین شیروانی (وفات 1253 ه.ق) در کتاب خود بستان - السیاحه از نایین جزء قصبه اصفهان به خوبی یاد کرده‌اند اما از آنجایی که موضوع پژوهش تا قرن پنجم هجری می‌باشد به بررسی منابع مکتوب جغرافیایی از صدراسلام تا قرن پنجم هجری پرداخته می‌شود.

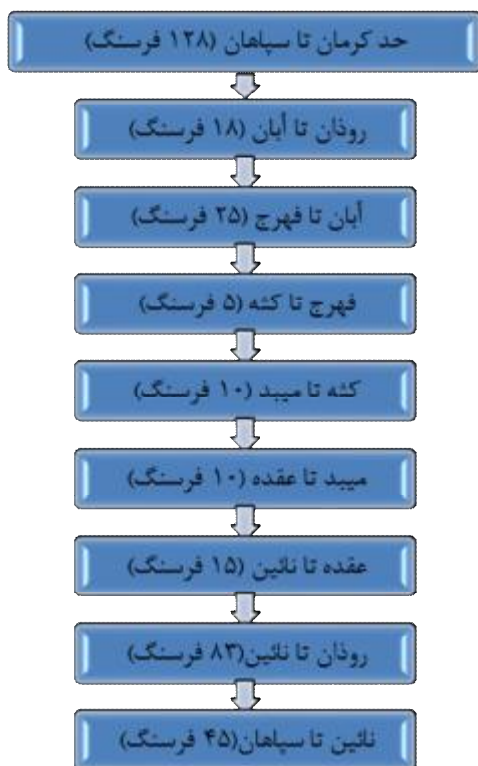
### وضعیت جغرافیایی نایین در قرون اولیه اسلامی (قرن 1 تا 5 هجری قمری)

ایالت فارس نه تنها در دوره ساسانی، بلکه در ادوار مختلف تاریخی، یکی از ایالت‌های مهم ایران در روزگار باستان و حتی دوره اسلامی به شمار می‌رفته است که اهمیت خود را همچنان حفظ کرده است. چنانچه جغرافی‌نگاران مسلمان قرون اولیه اسلامی، نیز در کتب خود به آن اشاره کرده‌اند. ابن‌رسته و ابن‌خردادبه در قرون سوم و چهارم هجری قمری، فارس را به پنج ناحیه اصطخر، شاپور، اردشیر خوره، دارابگرد و ارجان تقسیم می‌کنند و وسعت آن را  $155 \times 155$  فرسخ ذکر می‌کنند.<sup>71</sup> اصطخری در کتاب مسالک و ممالک خود که براساس کتاب صورۃ الاقالیم اثر ابوزید بلخی است در بیان کوره‌های پارس اشاره می‌کند که کوره‌های پارس پنج کوره‌اند، بزرگ‌تر و فراخ‌تر کوره اصطخر است<sup>72</sup> و در ذکر نواحی اصطخر، ناحیه یزد را بزرگتر از اصطخر و اشاره می‌کند که سه جایگاه مسجد آدینه دارند: کته، میبد، فهرج/ بهره، در ذکر مسافت فارس میان شهرهای بزرگ حد کرمان تا حد سپاهان این گونه می‌نویسد.

«... و آنچه بر عمارت می‌گردد از حد کرمان تا حد سپاهان از رودان تا أبان<sup>73</sup> هیژده فرسنگ،

و از أبان تا فهرج بیست و پنج فرسنگ و از فهرج تا کثه پنج فرسنگ، از کثه تا میبد ده فرسنگ و از میبد تا عقده ده فرسنگ و از عقده تا نائین پانزده فرسنگ و از نایین تا سپاهان چهل و پنج فرسنگ و از رودان تا نایین هشتاد و سه فرسنگ»<sup>74</sup> (نمودار 2).

وی همچنین اشاره می‌کند که هیچ ناحیه و روستایی نیست که در آن آتشگاهی نباشد و در ذکر مذاهب اهل پارس آنها را به دو بخش گرم‌سیریان که هفت گونه اند و مردم سردسیر که مذهب سنت و جماعت دارند و در پارس گبریان و ترسان و جهودان باشند و غلبه بر گبریان هست و کتابها و آتشکده‌ها و آداب گبر دارند و به هیچ ولایت اسلام چندان گبر نباشد که در ولایت پارس هست و جهودان اندک هستند.<sup>75</sup>



نمودار 2- مسافت بین کرمان تا سپاهان (اصفهان) از دیدگاه اصطخری در کتاب مسالک و ممالک ثبت کرده

است (نگارنده برگرفته از<sup>76</sup>)

ابوالقاسم محمد بن حوقل، جهانگرد و جغرافی‌دان عرب، دیگر مورخی است که در کتابش صوره الارض که در سال 367 هجری قمری تألیف شده است، فارس را به پنج ولایت تقسیم می‌کند<sup>77</sup> و در ذکر شهرهای فارس اشاره می‌کند

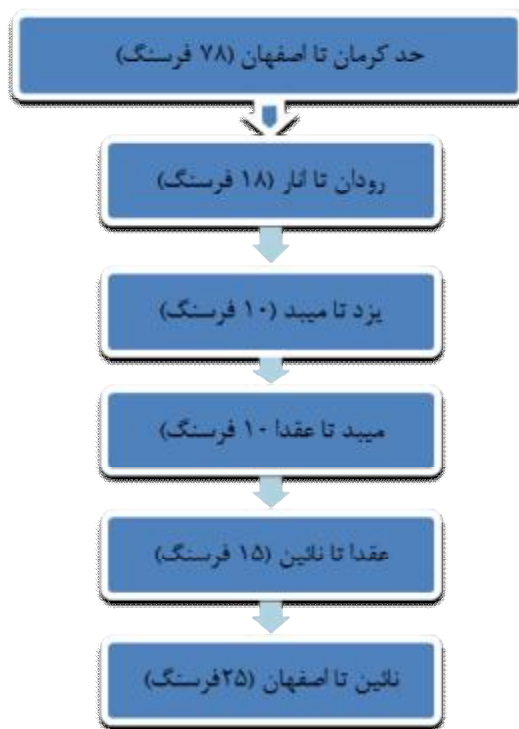
«از شهرهای فارس است کثه میبد به حومه یزد برکنار کویر. در میان راه شیراز به اصفهان و راه کثه شهرهای اقلید، مشکان، سرمق، ابرقو، کرد، ارجمان، میبد و نایین قرار دارد و بین بیابان خراسان و فارس هیچ قریه یا شهری ندارد در راه اصفهان به نیشابور جایی به نام جرمق مرکب از سه قریه است. شهرهای مشهوری که در مجاورت این بیابان‌اند از سرزمین فارس شهرهای نایین و یزد و عقده و اردستان و نیز شهر اصفهان است»<sup>78</sup>.

در حدود العالم من المشرق الی المغرب<sup>79</sup> قدیمی‌ترین کتاب جغرافیایی به زبان فارسی است و در سال 372 هجری قمری به دست مؤلفی ناشناس نوشته شده است چهار دلیل برای جداسدن یک ناحیه از ناحیه دیگر عنوان می‌گردد که عبارتند از: اختلاف آب، هوا، زمین، گرما و سرما، اختلاف دین و شریعت و کیش‌ها، اختلاف لغات و زبان‌ها و چهارم اختلاف پادشاه‌ها. وی حد یا مرز یک ناحیه از ناحیه دیگر را شامل کوه، رودخانه و بیابان عنوان می‌کند<sup>80</sup> در این کتاب در بخش ناحیه پارس و توصیف شهرهای آن از نایین یاد شده و نایین را شهری آباد و سرسبز می‌داند و می‌گوید نعمت آن فراوان است و معدن طلا دارد و اضافه می‌کند که این شهر بر حد میان پارس و بیابان واقع است.<sup>81</sup>

جیهانی (وفات 330 ه.ق.)، جغرافی‌دان مسلمان فارس را به پنج ناحیه تقسیم و از همه بزرگ‌تر و فراخ‌تر را اصطخر و سپس به ذکر شهرهای این کوره می‌پردازد و یزد را بزرگترین ناحیه در آنجا و از

شهرهایش میبد، ناین و فهرج اسم می‌برد<sup>82</sup> در جایی دیگر در ذکر مسافت‌های میان شهرهای بزرگ فارس می‌نویسد

«... بیابان از حد کرمان تا حد اصفهان از حساب فارس است و از رودان تا انار هیجده فرسنگ و از یزد تا میبد ده فرسنگ و از میبد تا عقده ده فرسنگ و از آنجا تا ناین پانزده فرسنگ این جمله هشتاد و سه فرسنگ باشد و از ناین تا اصفهان بیست و پنج فرسنگ» و در بیان شکل صورت مردمان فارس اهالی گرم سیر را باریک و اندک موی و اهل سردسیر بسیار موی و سفید توصیف می‌کند»<sup>83</sup> (نمودار 3).



نمودار 3- فاصله و مسیر شهرهای بین کرمان تا اصفهان از دیدگاه جیهانی در کتاب اشکال العالم ثبت شده

است (نگارنده برگرفته از<sup>84</sup>)

ناصرخسرو در نیمه اول قرن پنجم هجری قمری به این شهر سفر کرده اما از اوضاع اجتماعی و اقتصادی آن و فضاهای کالبدی آن گزارشی ارائه نکرده است و در سفرنامه خود در ذیل اصفهان آورده است

«...به سبب آن که کاروان دیرتر به راه می افتاد بیست روز در اصفهان بماندم و بیست و هشتم صفر بیرون آمدیم. به دیه ای رسیدیم که آن را هیثامباد گویند و از آنجا به راه صحرا و کوه مسکنان به قصبه ناین آمدیم و از سپاهان (اصفهان) تا آنجا سی فرسنگ بود و از ناین چهل سه فرسنگ برفتیم و به دیه گرمه از ناحیه بیابان که این ناحیه ده دوازده پاره دیه باشد رسیدیم و آن موضعی گرم است و درخت های خرما بود...»<sup>85</sup> (جدول 3).

پیرامون دین مردمان ناین در قبل از اسلام عقاید متفاوتی را بیان کردند که نیازمند شواهد مستند و مکتوب از آن ها می باشیم و تا سندی یافت نشود نمی توان نظر قطعی درباره ی کیش آنان بیان نمود اما وجود دین یهودی در ناین اطلاع داریم چراکه ابوعبدالله مقدسی آورده «یهودیه شهر است: خالنجان، رباط، اوردکان، سمیرم، یزد، ناین، نیستانه، اردستان و کاشان را دارد»<sup>86</sup> با این وجود احتمال وجود دین یهودی در ناین محتمل به نظر می رسد؛ پیامون ادیان دیگری چون زردشتی هر چند با وجود چهارطاقی های در اطراف شهر به دلیل عدم اشاره در منابع دست اول مکتوب یا منابع شفاهی و همچنین کمبود شواهد باستان شناختی اطلاعاتی پیرامون این دین در اختیار نیست.

جدول 3- ناین در قرون اولیه اسلامی از دیدگاه جغرافی نویسان (نگارنده، 1398)



ردیف	جغرافی‌نویس	قرن (ه.ق)	توضیحات	منبع
1	اصطخری	4	ذکر کوره‌های فارس و نواحی کوره اصطخر و اشاره به این نکته که سه جایگاه از جمله ناین مسجد جامع دارند.	اصطخری، 1349: 95
2	ابن حوقل	4	ذکر مسافت بین راه‌های مهم کوره‌های ایالت فارس.	ابن حوقل، 1345: 34
3	مؤلف ناشناس	4	ناین را شهری آباد و سرسبز و سرشار از معادن از جمله طلا می‌داند.	مؤلف ناشناس، 1362: 57
4	جیهانی	4	ذکر ناحیه یزد به عنوان بزرگ‌ترین ناحیه و شهرهای آن میبد، ناین و فهرج.	جیهانی، 1348: 110
5	ناصرخسرو	5	از ناین به عنوان قصبه یاد می‌کند و هیچ اطلاعی از وضع اقتصادی اجتماعی آن نمی‌دهد.	ناصرخسرو، 1354: 167

### نتیجه‌گیری

جغرافیای تاریخی با دو عنصر زمان و مکان سر و کار دارد؛ در این پژوهش به بررسی پیشینه تاریخی شهرستان ناین از ابتدا تا قرن پنجم هجری قمری با تأکید بر متون نوشتاری دست اول شامل متون و اسناد کتاب‌های جغرافیادانان قرون اول تا پنجم هجری قمری و منابع دست دوم شامل کتاب‌های محققین و مورخین سده‌های اخیر و شواهد باستان‌شناختی پرداختیم.

باتوجه به واکاوی‌های صورت گرفته در منابع تاریخی موجود پیرامون روند سیر شهر در دوران پیش از تاریخ به جزء اطلاعات محدودی مربوط به فراپارینه‌سنگی در شمال غرب ناین اطلاعاتی اکنون در دست نیست شاید با مطالعات بیشتر محوطه‌هایی از آن دوران کشف و شناسایی گردند؛ ولی از دوره (ساسانی) شواهدی مادی نسبتاً محدودی در دست است. منطقه ناین شهری است که هسته اولیه آن در دوران تاریخی تکوین یافته است قلعه موسوم به نارنج قلعه، مربوط به روزگار

ساسانیان و موقعیت قرارگیری آن در مسیر راه‌هایی که از سمت شرق و حاشیة کویر عبور می‌کرد اهمیت دارد؛ براساس واکاوی منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی مشخص گردید که با ورود دین جدید به ایران و گسترش آن در سده هفتم میلادی / اول هجری قمری شهرستان نایین همانند دوران پیش از اسلام جزو ایالت فارس شناخته می‌شد و نوشته‌های جغرافیانویسان قرون نخستین اسلامی نظیر اصطخری، ابن‌حوقل، مقدسی و یا قرون میانه اسلامی نظیر ابن‌بلخی، مستوفی، فارس به پنج خوره / کوره تقسیم می‌شد؛ نایین در دوران ساسانی و به تبع آن در دوران اسلامی به عنوان بخشی از کوره اصطخر، وسیع‌ترین و شمالی‌ترین کوره فارس بود شناخت می‌شد و از ویژگی‌های کالبدی و معیشتی شهر هیچ‌کدام از مورخان یا جغرافیانویسان متأسفانه اطلاعاتی ارائه نداده‌اند چراکه احتمالاً از اهمیت سیاسی یا اداری ویژه برخوردار نبوده است.

بررسی تاریخ تغییرات مرزهای سیاسی و تقسیمات جغرافیایی-اداری یک منطقه نیز در طول زمان با مفهوم جغرافیای تاریخی پیوند دیرینه دارند به عنوان نمونه شهرستان نایین تا قرن نه هجری قمری با توجه به متون تحت لوای شهر کته / یزد بوده زیرا در تمامی منابع متأخر نظیر اصطخری، ابن‌حوقل و... از آن یاد شده است، و از قرن دهم هجری قمری جزء شهر اصفهان شناخته می‌شود به طوری که شیروانی در ذکر قصبات اصفهان از نایین نام می‌برد و آب و هوای آن را معتدل می‌داند.

## پی‌نوشت‌ها

<sup>1</sup> پرگاری، صالح، بیطرفان، محمد (1394) «قم در دوره ناصری: یک بررسی جغرافیای تاریخی» **فصلنامه پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران**، سال سوم، شماره دوم، بهار و تابستان، ص 209.

<sup>2</sup> -محمدی‌فر، یعقوب (1384) «جغرافیای تاریخی زاگرس مرکزی در دوران پیش از اسلام»، **پیام باستان‌شناسی**، سال دوم، شماره 4، ص 89.

<sup>3</sup> جای‌نام یا نام مکان، اصطلاحی است که یک دسته از نام‌های خاص ویژه مکان‌ها یا اعلام جغرافیایی را از دیگر اعلام باز می‌شناسد. اصطلاح جای‌نام ترجمه‌ای قراردادی از واژه توپونیمی (Toponymical) است که از دو بخش توپو (Topo) به معنی جا و مکان، یا زمین و اونیم (Onim) به معنی نام تشکیل شده‌است (ترقی اوغاز، 1381: 139).

<sup>4</sup> خیراندیش، عبدالرسول (1382) «نام‌های جغرافیایی به مثابه بخشی از میراث فرهنگی»، **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**، سال هفتم، شماره 74، صص 3 و 4.

<sup>5</sup> اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (1349) **مسالك والممالك**، ترجمه ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص 97.

<sup>6</sup> ابن حوقل، ابوقاسم (1345) **صورة الارض**، ترجمه جعفر شعار، تهران: فرهنگ ایران صص 136 و 142.

<sup>7</sup> ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل (1349) **تقویم البلدان**، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: فرهنگ ایران صص 369.

<sup>8</sup> صفاء السلطنه، علیخان (1366) **سفرنامه صفاء السلطنه نائینی (تحفه الفقراء)**، ترجمه محمدگلبن، تهران: اطلاعات، ص 67.

<sup>9</sup> نسبت دادن نام یک شهر یا منطقه به فرد یا قوم خواستی درباره بسیاری از شهرها و ولایات صدق می‌کند، به‌عنوان مثال حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده می‌نویسد «همه اهل ایران از تبار سام بن نوح» هستند (مستوفی، 1364: 25).

<sup>10</sup> افشار، ایرج (1378) **پژوهش در نام شهرهای ایران**، تهران: روزنه، ص 594.

<sup>11</sup> مهیار، محمد (1382) **فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان**، اصفهان: فرهنگ مردم، ص 792.

<sup>12</sup> - D.R. Wyss.

<sup>13</sup> اصطلاح فراپارینه‌سنگی یا میان سنگی به دوره اطلاق میشود که از پایان دوره پارینه سنگی جدید تا آغاز

دوره نوسنگی را میان سنگی یا فراپارینه سنگی می‌گویند. این اصطلاح نخستین بار «مارتین تزل» در سال

(1874/1253) در کنفرانس بین المللی انسان‌شناسی و باستان‌شناسی پیش از تاریخ که در استکهلم تشکیل شده بود استفاده شد (شهمیرزادی، 1391: 110).

<sup>14</sup> Huckriede.

<sup>15</sup> Kuhbanan.

<sup>16</sup> Davoudzadeh, M. (1972). **Geology and petrology of the area North of Nain, Central Iran. –Geological Survey of Iran** (No. 1, p. 89). Report.

<sup>17</sup> Ibid, p 86.

<sup>18</sup> کوره از «خوره» پهلوی ساسانی گرفته شده است در اصل این واژه در فارسی باستان به صورت «فرنه» بوده که به تدریج به صورت‌های «فر» یا «فره» و سپس «خره» درآمده است. این خردادبه کوره را برابر با استان می‌داند (ابن خردادبه، 1370: 5). باید یادآور شود که عمده اطلاعات ما پیرامون ایالت پارس و منطقه ناین از متون جغرافیانویسان قرون اولیه اسلامی به دست می‌آید.

<sup>19</sup> حموی بغدادی، یاقوت (1380) **معجم البلدان**، ترجمه علینقی منزوی، جلد 1، بخش اول و دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ص 37.

<sup>20</sup> ابن بلخی (1385) **فارسنامه**، ترجمه منصور رستگارفسائی، شیراز: بنیادفارس‌شناسی، صص 286 و 287.

<sup>21</sup> دریایی، تورج (1388) **شهرستان‌های ایرانشهر**، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: توس، ص 23.

<sup>22</sup> ثعالبی، ابومنصور (1368) **تاریخ ثعالبی**، ترجمه محمد فضائی، ج 1، تهران: نقره، صص 393 و 394.

<sup>23</sup> R. Gyselen.

<sup>24</sup> در فرهنگ لغت مکنزی معنای لغوی کوست (kust) را «سمت» دانسته است (مکنزی، 1390: 263).

<sup>25</sup> Gyselen, R. (2001). **The four generals of the Sasanian Empire: Some sigillographic evidence** pp: 35-36.

<sup>26</sup> Praefectura praetorio per Orientem.

<sup>27</sup> Praefectura praetorio per Illyricum.

<sup>28</sup> Praefectura praetorio Illyrici, Italiae et Africae.

<sup>29</sup> Praefectura praetorio Galliarum.

<sup>30</sup> دریایی، تورج (1393) «تشکیلات اداری در ایران باستان»، در **تاریخ جامع ایران**، جلد 3، به کوشش حسن رضایی باغبیدی و محمد جعفر دهقی، تهران، دایره المعارف بزرگ اسلامی ص 515.

<sup>31</sup> موسوی خورنی مورخ ارمنی معاصر با ساسانیان، در دهکده خورنگ در استان تارون در ناحیه غرب ارمنستان به دنیا آمد؛ وی تألیفات متعددی دارد که شامل کتب فلسفی، تاریخ و جغرافیا، کتب مذهبی می‌شد؛ کتاب وی با عنوان *جغرافیای موسی خورنی*، در واقع درباره مسائل جغرافیایی تاریخی ایران است، به زبان اصلی آن یعنی ارمنی.

<sup>32</sup> کوست «نمروج» شرح دقیقی از ایالات ایران در دوره ساسانی را ارائه می‌کند. در دوره ساسانی هر کوست به چند استان تقسیم می‌شد، البته تناقض‌هایی در طرح این چهار کوست وجود دارد (*دریایی*، 1394: 125). مارکوارت کوست نیمروز را شامل 19 استان می‌داند؛ از جمله شهرهای این کوست عبارتند از: «پارس، خوزستان، سپاهان، کرمان، توران و مکران، سند و سرمان، سپیت (اسبید)، وشت، سگستان، زابلستان، میشان، هگر، پنیات اردشیر، دیرین، میش ماهیگ، مزون، خورهرستان (لارستان)، دی بول، سپال» (*سامی*، 2/ 1389: 320-319).

<sup>33</sup> مارکوارت، یوزف (1373) *ایران‌شهر برمبنای جغرافیای موسی‌خورنی*، ترجمه مریم احمدی، تهران: اطلاعات، صص 37 و 38.

<sup>34</sup> ابن جعفر، قدما (1379) *کتاب الخراج*، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، البرز، ص 17.

<sup>35</sup> اهمیت این متن تاریخی از این جهت است که در آن نام ناحیه و جای‌نام‌ها و بخش‌های گوناگون ایران‌شهر و یک فهرست پُرنام از جایگاه‌های جغرافیای و شهرها به دست داده شده است (*دریایی*، 1388: 11).

<sup>36</sup> نسخه کتابخانه موزه ملک تهران شماره 5990.

<sup>37</sup> Daryaei, T. Safdar, K. (2012). A Bulla of the Ērān-Spāhbed of Nēmroz. IN NĀMVARNĀMEH; PAPERS IN HONOUR OF MASSOUD AZARNOUSH. TEHRAN, p164.

<sup>38</sup> Gyselen, R. (2001). The four generals of the Sasanian Empire: Some sigillographic evidence, pp 35-45.

<sup>39</sup> Farrokh, K., Karamian, G., & Maksymiuk, K. (2018). **A Synopsis of Sasanian Military Organization and Combat Units**. Publishing House of Siedlce University of Natural Sciences and Humanities.

<sup>40</sup> فردوسی در اثر وزین خویش «شاهنامه» به شهر اصطخر اشاره می‌کند.

تن خویش را از در فخر کرد نشستن گه شاه باسطخر کرد (شاهنامه، ج 6، ص 292).

<sup>41</sup> مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (1361) *احسن التقاسیم فی معرفه القالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: مؤلفان و مترجمان ایران، ص 633.

<sup>42</sup> سامی، علی (1389) *تمدن ساسانی*، جلد دوم، تهران: سمت، صص 194 و 195.

<sup>43</sup> اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (1349) *مسالك والممالك*، ترجمه ایرج افشار، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ص 57.

<sup>44</sup> مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (1361) *احسن التقاسیم فی معرفه القالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: مؤلفان و مترجمان ایران، صص 648 و 649.

<sup>45</sup> یزد در زمان قدیم «کته» نام داشته است و چون نام یزد به شهر گذاشته شد نام کته را بر ولایت یزد اطلاق کردند و به آن حومه یزد گفتند (*لسترنج*، 1367: 306). یاقوت نیز در معجم البلدان ذیل «کته»

می‌نویسد: «و هی مدینه کوره یزد من کوره اصطخر» (*یاقوت* 1380: 475) اصطخری نیز در باب شهر کته آن را شهری در کنار بیابان و جایی خوش و پر نعمت می‌داند و دارای حصار و دو در آهنی یکی را باب ایزد و

دیگری را باب المسجد گویند و شغل مردمان آن را دبیر می‌داند (*اصطخری*، 1347: 112). به هر جهت که

اطلاق لفظ کته به عنوان نام قدیم شهر یزد صحیح نمی‌باشد. گمانه‌زنی‌های باستان‌شناسی طی سال‌های

1384-1386 ه.ش که در محلات مختلف بافت تاریخی یزد انجام گرفت داده‌های فرهنگی بسیار زیادی از این

فعالیت‌ها به دست آمد، به عنوان مثال سفال لعاب پاشیده، نمونه‌های آن از محوطه غیرا در کرمان نیز یافت

شد که متعلق به قرون سه تا پنج هجری قمری تاریخ‌گذاری شده‌اند. نکته دیگر این که جغرافی‌دانان آشکارا

کته را مجموعه‌ای از روستاهای مختلف می‌دانند که شهر یزد در حومه آن قرار داشت (*مرتضایی و*

*میردهقان اشکذری*، 1393: 169-161).

<sup>46</sup> ابن بلخی (1385) **فارسنامه**، ترجمه منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، صص 287-295.

<sup>47</sup> Herzfeld.

<sup>48</sup> Schmit.

<sup>49</sup> Schmit, E. F. (1939). **The Treasury of Persepolis and other Discoveries in the Homeland of the Achaemenians** (No. 21). University of Chicago. Pp105.

<sup>50</sup> Whitcomb, D.

<sup>51</sup> لینچ از سه شاخه نظریه یاد می‌کند که سعی در توصیف شهر به عنوان یک پدیده فضایی دارند «تئوری عملکردی» یکی از آنهاست که بیان می‌کند چرا شهرها هر یک شکل خاصی را به خود می‌گیرند و عملکرد چنین شکل‌هایی چیست؛ الگوهای کلی شهر عبارت است از: ستاره‌ای، شهرهای اقماری، شهر خطی، شهرهای شطرنجی منظم، طرح مشبک و شهر درونگرا. مطابق با این نظریه عملکردی، شهرهای ساسانی به سه دسته تقسیم می‌شوند: (1) شهرهای مدور، (2) شهرهای مستطیلی (هیپودام)، (3) شهرهای نامنظم. از شهرهای مدور دوره ساسانی می‌توان به دارابگرد، اردشیرخوره، مرو، تخت سلیمان و از شهرهای هیپودام به جندی‌شاپور، ایوان کرخه، بیشاپور، سیراف، نیشابور واستخر و شهرهای نامنظم می‌توان به رام شهرستان، تیسفون، و قصرشیرین اشاره کرد (مهرآفرین، 1393: 87-86).

<sup>52</sup> Whitcomb, D. (1976). **The City of Istakhr and the Marvdasht Plain in Akten des VII. Internationalis Kongresses für Iranische Kunst und Archäologie, München, 7.-10. sept. 1976. Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin, p366.**

<sup>53</sup> Ibid, 364

<sup>54</sup> منظور مسجد جامع ناین است که از معدود مساجد اولیه شهبستانی و بر اساس کاوش‌های باستان‌شناختی

ساختمان اولیه مسجد در قرن دوم هجری احداث شد و تزئینات گچ‌بری آن یادآور نقوش دوره ساسانی است.

<sup>55</sup> جعفری‌زند، علیرضا (1381) **اصفهان پیش از اسلام**، اصفهان: آن، ص 254.

<sup>56</sup> اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (1349) **مسالك والممالك**، ترجمه ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص 110.

<sup>57</sup> جعفری‌زند، علیرضا (1381) **اصفهان پیش از اسلام**، اصفهان: آن، ص 254.

<sup>58</sup> نامجو، عباس (1392) *بناهای چهارطاقی‌های ایران*، تهران: جهاد دانشگاهی، ص 172.

<sup>59</sup> Azarnoush, M., 1994. *The Sasanian Manor House at Haji Abad Iran*. Monografie di Mesopotamia III. Florence: Casa Editrice le Lettere, fig174: e

<sup>60</sup> Adams, R. Mc., 1970. "Tell Abu sarifa. A sassanian-Islamic ceramic sequence from south central Iraq". *Ars Orientalis* 8, Pp. 87-119, Fig 6: z

<sup>61</sup> Keliss, 1987. "Cal Tarkhan Sodontlich von Rey ". *AMI* 20. pp 309-318, Abb 5:15.

<sup>62</sup> خسروزاده، علیرضا (1393) *بررسی تحولی زیستگاه‌های انسانی دشت فارس از دوران*

*پیش از تاریخ تا دوران اسلامی*، شهرکرد: نشر دانشگاه شهرکرد، شکل 83 شماره 5.

<sup>63</sup> Adams, *ibid*, Fig 6: ag.

<sup>64</sup> خسروزاده، پیشین: شکل 86 شماره 6.

<sup>65</sup> لباف‌خانیک، میثم، (1387) «سفال ساسانی شمال شرق ایران (طبقه‌بندی، مقایسه و تحلیل براساس

ویژگی‌های شکلی)» *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. دوره 59. شماره 4-186.

صص 177-143، شکل 1 طرح 2.

<sup>66</sup> محمدی‌فر، یعقوب، طهماسبی، ناز، (1393) «طبقه‌بندی سفال ساسانی دره سیمره، مطالعه موردی:

قلعه سیرمشاه» *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*. شماره هفت. دوره چهارم. صص 152-133،

شکل 8 شماره 172 ss

<sup>67</sup> سلطان‌زاده، حسین (1374) *نایین شهر هزارها*، بی‌جا: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، صص 165-168

<sup>68</sup> زمرشیدی، حسین و زهرا زمرشیدی (1393) «معماری مساجد ایران و هنرهای قدسی آن»، *فصلنامه*

*شهرهای ایرانی اسلامی*، شماره 15، ص 7.

<sup>69</sup> آزاد، میترا؛ سلطانی‌محمدی، مهدی و محمد بلوری‌بناب (1397) «گونه‌شناسی و تحلیل معماری دستکند

در نایین»، *در مسکن و محیط روستا*، شماره 161، ص 97.

<sup>70</sup> همان، ص 102.

<sup>71</sup> ابن رسته (1365) *الاعلاق النفیسه*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: امیر کبیر، ص 122؛ ابن‌خردادبه

(1370) *المسالك و الممالک*، ترجمه حسین قره‌چانلو، از روی متن تصحیح شده دخویه، تهران: چاپ مهارت،

ص 48.



<sup>72</sup> اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (1349) **مسالك والممالك**، ترجمه ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص 95.

<sup>73</sup> شهر اَبان جغرافیانویسان، همان شهر انار فعلی استان یزد می‌باشد.

<sup>74</sup> اصطخری، پیشین، صص 117-118.

<sup>75</sup> همان، ص 121.

<sup>76</sup> همان، صص 117-118.

<sup>77</sup> ابن‌حوقل، ابوقاسم (1345) **صورة الارض**، ترجمه جعفر شعار، تهران: فرهنگ ایران، ص 34.

<sup>78</sup> همان، ص 142.

<sup>79</sup> این کتاب به دست مؤلفی ناشناس نگاشته شده است اما توسط ابوالمؤید عبدالقیوم بن الحسین بن علی

الفارسی در سال 656ه.ق استنساخ شده است. مؤلف، این کتاب را به فارسی نوشته و در آن علاوه بر ایران به مناطقی چون عربستان، مصر، شام و... نیز پرداخته است.

<sup>80</sup> مؤلف ناشناخته (1362) **حدود العالم الی المشرق الی المغرب**، مقدمه بارتولد تعلیقات مینورسکی،

تهران: دانشگاه الزهراء، ص 57.

<sup>81</sup> همان، ص 136.

<sup>82</sup> جیهانی، ابوقاسم بن احمد (1368) **اشکال العالم**، ترجمه عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات

فیروزمنصوری، مشهد: به‌نشر، ص 110.

<sup>83</sup> همان، صص 119-120.

<sup>84</sup> جیهانی، پیشین، صص 119-120.

<sup>85</sup> ناصر خسرو قبادیانی (1354) **سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی**، ترجمه محمد دبیر سیاقی، تهران:

دانشگاه تهران.

<sup>86</sup> مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (1361) **احسن التقاسیم فی معرفة القالیم**، ترجمه علینقی منزوی،

تهران: مؤلفان و مترجمان ایران، ص 68.